



### اقبال یغمایی

ابراهیم حکیم الملک فرزند میرزا ابوالحسن حکیمباشی، پسر میرزا علی نقی، پسر میرزا حسن بروجردی است و به سال ۱۲۹۰ هجری قمری تولد یافته است. از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ در دارالفنون تحصیل کرد و زبان فرانسه و مقدمات طب و علوم طبیعی را فرا گرفت. جوان بود که پدرش درگذشت و برادرش

نصرالحکما سرپرستی او را تصد کرد.

در سال ۱۳۰۹ قمری جمعی از بزرگان و روشنفکران بر آن شدند که پسران جوان خود را برای کسب دانش به اروپا بفرستند. ناصرالدین شاه بدین کار رضا داد. اما چون ناگهان به سببی از بسط افکار نو، خاصه رواج آزادی طلبی اندیشناک شد عزیمت جوانان را به خارج برای تحصیل دانش موقوف و ممنوع کرد.

ابراهیم که به کسب علم شور و شوق بسیار داشت به سال ۱۳۱۰ قمری که بیماری وبا در تهران شیوع یافت به تبریز رفت و از عمویش میرزا محمودخان حکیم‌الملک التماس کرد که اجازه سفر کردنش را از ولیعهد بگیرد. او چنین کرد و ابراهیم در سال ۱۳۱۱ قمری از راه قفقاز و روسیه به پاریس رفت و در دانشکده طب آن شهر به کسب دانش پرداخت. پس از نه سال فارغ‌التحصیل شد و همانجا دختری به زنی گرفت.

مظفرالدین شاه در سفر اول خود به اروپا چون به پایه بلند دانش و خصایص پاک و طبع ملایم او آشنا شد وی را به خدمت پذیرفت و در شمار مقربان و همراهان خاص خویش در آورد.

روز پنجشنبه پنجم ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ قمری (۱۹۰۰ میلادی) که مظفرالدین شاه در پاریس مورد سوقتصد قرار گرفت ابراهیم شاهد و ناظر حادثه بود. در این روز شاه به دعوت «دلکاسه» وزیر امور خارجه فرانسه با همراهانش به تماشای قصر و رسای می‌رفت. میرزا محمود خان حکیم‌الملک، عموی ابراهیم، به چابکی با انگشتان زورمندش چنان دست ضارب را فشرد که سلاح از کفش رها شد و شاه از خطر رست.

حکیم‌الملک که بر اثر ده سال اقامت در اروپا روشنفکر و آزادیخواه بار آمده بود خدمت دربار را موافق طبع خود نیافت و بدین سبب پس از مرگ مظفرالدین شاه از دربار و درباریان کناره گرفت و به کار طبابت پرداخت و در استقرار مشروطیت با دیگر آزادیخواهان همگام و هماواز شد.

در دوره اول از طرف نمایندگان مجلس به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شد و در دوره دوم از تبریز و هم از تهران برگزیده شد و نمایندگی تبریز را پذیرفت.

روزی که مجلس شورای ملی نشانه تیرتوپهای محمدعلی شاه قرار گرفت ۶ و مجلسیان و آزادیخواهان پس از مقاومت دلیرانه شکسته و پراکنده شدند، حکیم‌الملک با ممتازالدوله، رئیس مجلس، و آقا سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهیمانی و چند تن دیگر به پارک امین‌الدوله پناه بردند و چون سربازان پس از آگاه شدن به محل اختفای آنان برای دستگیری ایشان شتافتند حکیم‌الملک و ممتازالدوله پشت درختان پارک پنهان شده از تعرض آنان در امان ماندند. وقتی که رفت و آمد قطع شد این دو به باغبان پارک که بانوکر ممتازالدوله دوستی صادقانه داشت پناه بردند. وی آنان را جای امنی پنهان داشت. چون

شب در آمد و هوا خوب تاریک شد این دو به خانه نوکر ممتازالدوله رفته صبح روز بعد هر دو در سفارت فرانسه متحصن شدند و پس از گذشتن چند روز حکیم‌الملک به اروپا سفر کرد.

در ایجاد انقلاب مشروطیت و استقرار و اعاده آن عده زیادی از آزادگان و آزادیخواهان بزرگ طبقات مختلف شرکت داشتند که برجسته‌ترین آنها را می‌توان طباطبایی، آخوند ملاکاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، حاج میرزا حسین پسر حاج میرزا خلیل تهرانی، سید جمال‌الدین واعظ، حاج میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین، ستار خان، باقر خان، حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری، ولیخان تنکابنی، عبدالحسین خان معز‌السلطان، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، میرزا علی‌اکبر خان دهخدا، میرزا سید حسین خان مؤسس روزنامه الحدید، یفرم خان، میرزا حسین واعظ تبریزی، سید محمد صادق طباطبایی، معاضد‌السلطنه، حسین پرویز، عبد‌الرحیم خلخالی، میرزا داودخان اردبیلی، و ابراهیم حکیم‌الملک را شمرد.

حکیمی یکی از افراد بنام و مؤثر کمیته ملی بود. این کمیته که با عضویت ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین واعظ، میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، تقی‌زاده، سید محمد رضا مساوات، سید جلیل اردبیلی، سید عبد‌الرحیم خلخالی و حکیم‌الملک تشکیل یافته بود در اعاده مشروطیت و استقرار مجدد آن سهمی بسزا داشت.

صبح روز جمعه ۲۷ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۷ قمری برابر ۲۸ تیر ماه ۱۲۸۸ شمسی، محمد علی شاه پس از مدت‌ها ستیزه‌گری با آزادیخواهان، ناچار با جمعی از یاران وفادار خود صنیع حضرت و ارشدالدوله و پاشا خان امیر بهادر جنگ و مجلل‌السلطان و عده‌ای از سربازان سیلاخوری به سفارت روس پناهنده شد و از سلطنت بر ایران چشم پوشید. سران مجاهدان و عده‌ای از علمای بزرگ حامی مشروطیت، و جمعی از نمایندگان سابق، و بسیاری از اعیان و برگزیدگان طبقات مختلف بی‌درنگ در بهارستان گرد آمده مجلسی به نام مجلس عالی تشکیل دادند و اداره مملکت را مصمم شدند. عده این جمع در حدود سیصد نفر بود و چون شرکت همه این افراد در تدوین لوایح ضروری و بسیار فوری میسر نبود از میان خود چند تن انتخاب کردند تا بادقت و مال اندیشی پیشنهادهای و لوایح ضروری را تنظیم و برای تصویب به مجلس عالی تقدیم کنند. یکی از اعضای مؤمن و مؤثر و با نفوذ این هیئت حکیم‌الملک بود.<sup>۷</sup> هیئت مذکور بعد از ظهر همان روز با توجه دقیق به مصالح ملی و مقتضیات کلی لوایح ذیل را که ضرورت تمام داشت تنظیم کرد و از تصویب مجلس عالی گذراند:

۱- عزل محمد علی شاه از سلطنت.<sup>۸</sup>

۲- انتخاب احمد میرزای ولیعهد به پادشاهی.<sup>۹</sup>

۳- برگزیدن عضدالملک به نیابت سلطنت.

۴- انتخاب ولیخان سپهدار اعظم به وزیری جنگ.

۵- تعیین حاج علی قلی خان سردار اسعد به وزارت داخله.

در اواخر ماه رجب بیشتر کمیسیون تغییر یافتند و عده‌شان نیز کاهش یافت. هیئت جدید که هیئت مدیره نام گرفت با عضویت سپهدار تنکابنی، سردار منصور، شاهزاده فرمانفرما، حاج علی قلی خان بختیاری، حکیم‌الملک، و وزیران: جنگ، پست و تلگراف، عدلیه، داخله، مستشارالدوله، تقی‌زاده، حسینقلی خان نواب و وثوق‌الدوله تشکیل گردید. در آغاز کار دو تن از افراد هیئت: حسین قلی خان نواب و فرمانفرما مأموریت یافتند که جواهراتی را که محمدعلی شاه مخلوع ربوده بود پس بگیرند<sup>۱۰</sup> و املاک او را برای پرداختن وامهای مصادره کنند.

یکی دیگر از کارهای پردردسر این هیئت مدیره اخراج اسمیرنوف معلم روسی احمد شاه بود. این معلم را که مردی نظامی بود محمد علی شاه برای تربیت پسرش گماشته بود و روسیان امید داشتند که ولیعهد بر اثر تعلیمات و تلقینات اسمیرنوف هواخواه سیاست آنان شود. به همین سبب وقتی که به اخراج وی فرمان رفت، سخت بر آشفتند و تهدیدها کردند. اما چون تخویف سود نبخشید شرط کردند که اگر دولت ایران اسمیرنوف را همچنان به معلمی شاه بگذارد آنان نیمی از سربازان خود را که تا فزوین کشانده بودند بیرون برند، ولی هیئت نپذیرفت و نواب گفت: ما چگونه معلمی را که قدر نصف قشون روس مقیم قزوین قدرت و اثر دارد در دربار رها کنیم و بر خود نیندیشیم؟

روسها بر اثر این تصمیم متهورانه بر آن شدند که از راه دیگر به ایران فشار آورند. بدین منظور ناگهان و به یک روز در صدد پس گرفتن مبالغ سنگینی که سابقاً به شرط عندالمطالبه به بعضی افراد هیئت مدیره قرض داده بودند برآمدند. گرچه این کار وامداران را سخت ناراحت و وادار به چاره‌جویی کرد اما به هر صورت حکیم‌الملک به دستور هیئت مدیره اسمیرنوف را از ایران بیرون راند و خود به انتخاب معلمانی برای تربیت احمد شاه، و پاک و منظم نگهداشتن دربار مأمور شد و او عده‌ای از دانشمندان آزادیخواه بنام را چون ابوالحسن فروغی، کمال‌الملک، و محمدعلی فروغی به معلمی احمد شاه برگزید.

حکیم‌الملک برای نخستین بار در کابینه اول میرزا حسن خان مستوفی- الممالک که در ۱۷ رجب ۱۳۲۸ برابر اول مرداد ۱۲۸۹ روی کار آمد وزیر مالیه شد. در کابینه سوم ولی خان سپهدار اعظم وزیر علوم و اوقاف گردید<sup>۱۱</sup> و در کابینه بعد که صمصام‌السلطنه بختیاری ریاست آن را داشت وزیر مالیه شد. پس از سقوط چهارمین کابینه صمصام‌السلطنه بختیاری که حکیم‌الملک

وزیر مالیه آن بود تا سال ۱۳۳۳ قمری در هیچ يك از کابینه‌ها وزارت نپذیرفت تا در کابینه مشیرالدوله که دو شنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ قمری برابر ۲۲ اسفند ۱۲۹۳ تشکیل یافت بار دیگر وزیر علوم و اوقاف شد<sup>۱۲</sup>. همچنین در کابینه عبدالمجید میرزای عین‌الدوله به همین مقام باقی ماند<sup>۱۳</sup>.

حکیم‌الملک در مدتی که وزیر علوم بود در تعمیم و ترویج معارف گامهای بلند برداشت. مدارس ملی را که تا زمان وزارت او هر یک به یک صورتی جداگانه و بعضی به دست مردم نا اهل اداره می‌شد موظف کرد که برنامه کارشان را با برنامه مدارس دولتی همسان کنند، و در سال ۱۲۹۰ شمسی از مجلس شورای ملی قانونی گذراند که آن سال، سی، و سالهای بعد، بیست تن از جوانان مستعد برای تحصیل مدارج عالییه علمی به خرج دولت رهسپار اروپا شوند، و قرار بر این نهاده شد که هر سال پانزده نفر در رشته تعلیم و تربیت به تحصیل پردازند و پس از طی دوره دانشجویی و بازگشتن به ایران، به معلمی اشتغال ورزند.

آن سال دانشجویانی که نامزد تحصیل در رشته تعلیم و تربیت شدند در دانشسراهای پاریس به کسب علم پرداختند و عده‌ای از آنان که پس از چهار سال دوره دانشسرا را به پایان رسانده بودند به وطن باز گشتند و در مدرسه دارالفنون و علوم سیاسی به معلمی آغاز نهادند و شاگردان بسیار پروردند<sup>۱۴</sup>. علاوه بر این حکیم‌الملک در زمانی که وزیر معارف کابینه مستوفی‌الممالک<sup>۱۵</sup> و کابینه اول و دوم علاء‌السلطنه بود<sup>۱۶</sup> به جد درصدد تأسیس دارالمعلمین برآمد. پیش‌از او مشیرالدوله در زمامداری خویش در این اندیشه بود اما به سبب پیش‌آمدن بحرانهای سخت موفق نشد.

حکیم‌الملک که نیک آگاه بود که تا معلمان، دانا و شایسته و به کار خود مؤمن نباشند کار معارف رونق و پیشرفت نمی‌یابد با عزم راسخ به تأسیس دارالمعلمین همت گماشت و گزارشی در این باره به هیئت وزیران تقدیم داشت. وزیران بر اثر پافشاری و استقامت وی در تاریخ یازدهم مهرماه ۱۳۳۵ قمری با طرح تشکیل دارالمعلمین موافقت کردند و دوازده هزار تومان به این کار اختصاص دادند. نظامنامه اساسی دارالمعلمین تنظیم یافت اما کابینه علاء‌السلطنه سقوط کرد و حکیم‌الملک به اجرای این خدمت بزرگ کامیاب نشد. وثوق‌الدوله و مؤتمن‌الملک و ممتاز‌الملک وزیران معارف کابینه‌های بعد نیز توفیق این خدمت نیافتند تا نوبت وزیری معارف به نصیرالدوله بدر رسید و او پس از اینکه نظامنامه اساسی دارالمعلمین را به تصویب شورای معارف رساند روز اول صفر سال ۱۳۳۷ قمری این مرکز معتبر فرهنگی را گشود.

دیگر از کارهای ارزنده فرهنگی حکیم‌الملک تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه است که زیر نظر کمال‌الملک گشود و به منظور بزرگداشت مقام هنری و علمی استاد و تشویق وی عنوان افتخاری وزارت معارف را به او داد.

حکیم‌الملک دوبار دیگر در کابینه صمصام‌السلطنه<sup>۱۷</sup> و کابینه مشیرالدوله وزیر علوم و اوقاف شد<sup>۱۸</sup>. در کابینه دوم صمصام‌السلطنه که ۲۷ خرداد ۱۲۹۷

برابر رمضان ۱۳۳۷ تشکیل یافت، وزیر مالیه، در کابینه دیگر مشیرالدوله که ۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۰ برابر پنجم بهمن ۱۳۰۰ روی کار آمد و تا دهم رمضان ۱۳۴۰ برابر ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۱ شمسی حکومت کرد وزیر خارجه بود و در کابینه دیگر مشیرالدوله وزیر عدلیه<sup>۱۹</sup>.

از آغاز سلطنت رضا شاه کبیر حکیم‌الملک از سیاست کناره گرفت و به تألیف و تصنیف پرداخت. تنظیم دیکسیونر فرانسه به فارسی، و تألیف کتابی درباره کالبدشناسی از آثار ارجمند این دوره اوست.

در سال ۱۳۱۳ شمسی رضا شاه کبیر به منظور تجلیل از شاعر بلندنام ایران فردوسی طوسی به تجدید بنای آرامگاه این گوینده بزرگ اشارت فرمود. برای اینکه همه مردم امکان شرکت در این کار نیک را داشته باشند به پیشنهاد محمدعلی فروغی ذکاء‌الملک و تصویب شاهنشاه قرار شد هزینه تجدید بنا از محل فروش بلیتهای بخت‌آزمایی تأمین شود و حکیم‌الملک به ریاست هیئت مدیره بخت‌آزمایی انتخاب شد و با امانت و صمیمیت این وظیفه را به انجام رساند.

سالها بعد، به هنگام تشکیل مجلس مؤسسان دوم که برای تغییر چند اصل از قانون اساسی و متمم آن، و تشکیل مجلس سنا به وجود آمد حکیم‌الملک ریاست سنی مجلس را داشت.

باری، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) از آغاز مشروطیت تا پایان عمر (۲۷ مهر ۱۳۲۸ شمسی) در کابینه‌های مختلف هشت بار وزیر معارف، پنج نوبت وزیر مالیه، یک بار وزیر خارجه و یک بار وزیر عدلیه بود.

پس از شهریور ۱۳۲۰ در فاصله بین سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ سه مرتبه به تشکیل کابینه مأمور شد اما مدت زمامداری او در سه نوبت به نه‌ماه نرسید.

۱- زمانی که مظفرالدین میرزا ولیعهد بود و در تبریز میزیست میرزا محمود خان حکیم‌الملک پزشک و از جمله مقربان خاص او بود. مظفرالدین میرزا چون پدرش پادشاه شد حکیم‌الملک را همچنان گرامی داشت و گاهگاه به او عطا‌های شایان می‌کرد. چنانکه روزی آبادی بزرگ فریمان را به او بخشید. (عین‌الدوله پس از چندی این آبادی را به بهای ارزان از او خرید). میرزا علی‌اصغرخان اتابک صدراعظم وقت که از بدطینتی، سربلندی و عزت هیچ‌کس را نمی‌توانست تحمل کند سخت دشمنش شد و چندان نزد شاه از او بدگویی کرد که شاه از وی رنجید و به دور شدنش از دربار و پایتخت رضا داد. اتابک حکیم‌الملک را به قبول حکومت رشت ناچار کرد و بدانجا فرستاد و او که گفته بود زندگی شاه به سبب دوام و شدت بیماری بیش از دو هفته نمی‌باید پس از مدتی کوتاه به مفاجات درگذشت و شاه چند سال دیگر زنده ماند.

چون نوکر خاص و یکی از مصاحبان نزدیک حکیم‌الملک همزمان با مرگ وی به مفاجات در گذشتند به زعم بعضی این سه تن به دستور اتابک مسموم شدند.

۲- این سفر از روز بیست و هفتم ذی‌حجه سال ۱۳۱۷ قمری یکشنبه دوم شعبان ۱۳۱۸ مدت گرفت.

۳- چهارشنبه ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ قمری.

۴- در دوره اول قانون بر این بود که اگر یکی از وکیلان در طول مدت نمایندگی فوت یا استعفا می‌کرد، مستقیماً کسی را به جای او انتخاب می‌کردند و حکیم‌الملک به جای یکی از وکیلان متوفی برگزیده شد.

دوره اول مجلس روز ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ (اکتبر ۱۹۰۶ میلادی) آغاز و ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی) تعطیل شد و عده وکیلان این دوره ۱۶۲ نفر بود.

۵- دوره دوم مجلس شورای ملی دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ (۱۵ نوامبر ۱۹۰۹) آغاز و سوم محرم ۱۳۳۰ (۲۴ دسامبر) تعطیل شد. عده وکیلان دوره دوم ۱۲۰ نفر بود.

۶- سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ برابر دوم تیر ۱۲۸۷ (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸).

۷- دیگر افراد این هیئت اینان بودند: مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله، حسینقلی خان‌نواب، میرزا حسین خان کسمایی رشتی، معز‌السلطان رشتی (سردار محیی)، میرزا سید محمد امامزاده، مرتضی‌قلی‌خان بختیاری، وثوق‌الدوله، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه، صدرالعلماء، سیدمحمد بهبهانی، مستشارالدوله، وحیدالملک، حاج سید نصرالله، نظام‌السلطان، میرزا یانس، حاج محمدعلی تاجر، سالار حشمت، عمیدالسلطان، میرزا علی محمد خان، میرزا طاهر، میرزا محمد خراسانی، حاج سید محمد تاجر، میرزا سلیمان خان، عمیدالحکماء، آقامیرزا غفار.

۸- «اعلیحضرتا مقتضیات وقت و شدت هرج و مرج مملکت و انزجار قلوب ملت از اداره اعلیحضرت همایونی ضرورت به هم رسانیده که آن اعلیحضرت از زحمات بار سنگین سلطنت خود را معاف فرمایند. برطبق همین ضرورت چون آن اعلیحضرت امروز که جمعه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ در سفارت محترمه دولت بهیبه روس به حمایت دولتمن فخرتین انگلیس و روس پناهنده شده، بالطبع شخص همایون خود را از این زحمت فارغ فرمودند. علیهذا مجلس عالی فوق‌العاده، امروز جمعه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ در بهارستان تشکیل یافته، اعلیحضرت قوی شوکت اقدس سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانه را به شاهنشاهی ایران پذیرفته و تا تشکیل پارلمان موقتاً حضرت مستطاب اشرف عالی عضدالملک دامت شوکت را به سمت نیابت سلطنت اختیار نمود.»

۹- «به عرض پیشگاه اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سلطان احمد شاه خلد الله ملکه و سلطانه چون اعلیحضرت محمد علی‌میرزا پدر والامقام اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی برحسب مقتضیات وقت از تقلد امر خطیر سلطنت معاف شدند به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی، در مجلس فوق‌العاده که به تاریخ ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ در عمارت بهارستان منعقد گردید، سلطنت به اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مقرر و اعلان شد و نیابت سلطنت موقتاً به عهده حضرت مستطاب اشرف عالی عضدالملک دامت شوکت واگذار گردید تا بعد از انعقاد پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی قرار قطعی درباب نیابت سلطنت داده شود. مراتب معروضه فوق از طرف مجلس عالی فوق‌العاده رسماً به توسط مبعوثین آن مجلس به پیشگاه سریر اعلی ابلاغ و اعضای این مجلس از طرف عموم ملت تبریکات صمیمانه خود را حضور باهرالنور همایونی عرضه داشت، از خداوند مسئلت می‌کنند که سلطنت مشروطه آن اعلیحضرت برای عموم اولاد ایران به انواع میامن و تبریکات مشحون و ترقی و سعادت این مملکت در سایه توجهات خسرانه حاصل و کامل گردد.»

۱۰- «. . . حسینقلی‌خان نواب وزیر امور خارجه گفت: وقتی که محمدعلی‌شاه از تهران فرار کرد و به سفارت روس پناه برد و جواهرات سلطنتی را هم در چند صندوق باخود بدانجا برد، من و فرمانفرما از طرف ملت مأمور شدیم که نزد او رفته به هر ترتیبی شده جواهرات را پس بگیریم. وقتی که رفتیم دیدیم صندوقها را در نزدیکی همان اتاق خودش گذاشته‌اند و صحبت به دراز کشیده. ولی ناگهان محمدعلی‌شاه در بین صحبت گفت: «من هرچه دارم تعلق به احمد میرزا دارم» فرمانفرما به محض شنیدن این سخن ازجا بلند شد و به من هم اشاره کرد که بلند شو. و اجازه مرخصی خواسته بیرون رفتیم. من به فرمانفرما گفتم: تا هنوز مأموریت خود را انجام ندادیم چرا از اتاق بیرون آمدید؟ گفت: «مگر نشنیدید که گفت هرچه دارم مال احمد میرزا



است.» و به استناد همین حرف و با وجود اشکالتراشی روسها جواهرات را بار کردیم و به تهران آوردیم. . . .» از مقاله جمالزاده مندرج در صفحه ۵۴۵ شماره چهارم سال دوم مجله زاهنمای کتاب.

۱۱- آغاز زمامداری ۲۵ رجب ۱۳۲۹ برابر سیم تیرماه ۱۲۹۵ - دیگر وزیران این کابینه: اینان بودند: وزیر داخله و ثوقالدوله، وزیر خارجه حاج محتشم السلطنه، وزیر جنگ صمصام السلطنه، وزیر مالیه معاونالدوله، وزیر عدلیه قوام السلطنه، وزیر پست و تلگراف مشیرالدوله.

۱۲- دیگر وزیران این کابینه: وزیر داخله مستشارالدوله، وزیر جنگ مشیرالدوله؛ وزیر خارجه معاونالدوله، وزیر مالیه مشارالسلطنه، وزیر عدلیه ذکاءالملک، وزیر پست و تلگراف و فواید عامه نصرالملک.

۱۳- کابینه عینالدوله ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۳۳ مطابق دهم اردیبهشت ۱۲۹۴ تشکیل یافت و در ماه شعبان ۱۳۳۳ برابر تیر ۱۲۹۴ استعفا کرد. دیگر وزیران این کابینه اینان بودند: وزیر داخله فرمانفرما، وزیر خارجه محتشم السلطنه، وزیر جنگ عینالدوله، وزیر مالیه حاج امیرنظام، وزیر عدلیه سردار منصور، وزیر پست و تلگراف و وزیر فواید عامه و تجارت و فلاحت مهذب السلطنه

۱۴- دکتر عیسی صدیق و دکتر علی اکبر سیاسی که از نیک مردانند و خدمت‌های گرانقدر به فرهنگ ایران کرده‌اند از جمله افراد این گروه بوده‌اند.

۱۵- کابینه مستوفی‌الممالک ششم شوال ۱۳۳۳ برابر ۲۶ مرداد ۱۲۹۴ تشکیل یافت و وزیران این کابینه اینان بودند: وزیر داخله محتشم السلطنه، وزیر خارجه مستوفی‌الممالک، وزیر جنگ ولی‌خان سپهبد اعظم، وزیر مالیه و ثوقالدوله، وزیر عدلیه علاء السلطنه، وزیر پست و تلگراف، مستشار الدوله، وزیر تجارت و فلاحت و وزیر فواید عامه شهاب‌الدوله.

۱۶- اولین کابینه علاء السلطنه ۱۴ شعبان ۱۳۳۵ برابر ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ روی کار آمد آمد و تا آبان ۱۲۹۶ زمامدار بود. دیگر وزیران این کابینه اینان بودند: مستشارالدوله وزیر داخله، علاء السلطنه وزیر خارجه، مشیرالدوله وزیر جنگ، محتشم السلطنه وزیر مالیه، ممتازالدوله وزیر عدلیه، نصرالملک وزیر پست و تلگراف، مؤتمن‌الملک وزیر تجارت و فلاحت و وزیر فواید عامه، مستوفی‌الممالک وزیر مشاور.

دومین کابینه علاء السلطنه ۲۳ محرم ۱۳۳۶ برابر هجدهم آبان ۱۲۹۶ تشکیل یافت و دیگر وزیران این کابینه اینان بودند: قوام السلطنه وزیر داخله، علاء السلطنه وزیر خارجه، مشیرالدوله وزیر جنگ، ممتازالدوله وزیر مالیه، نصرالملک وزیر عدلیه، مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف، مؤتمن‌الملک وزیر تجارت و فلاحت و وزیر فواید عامه، مستوفی‌الممالک وزیر مشاور.

۱۷- کابینه صمصام السلطنه ۱۹ رجب ۱۳۳۶ برابر یازدهم اردیبهشت ۱۲۹۷ به کار آغاز کرد و وزیران این کابینه اینان بودند: صمصام السلطنه وزیر داخله، علی‌قلی‌خان مشاورالممالک وزیر خارجه، لطفعلی‌خان بختیاری امیرمقخم وزیر جنگ، میرزا حسن خان مشارالممالک وزیر مالیه، رضاقلی‌خان نیرالملک وزیر عدلیه، اسدالله خان مشارالسلطنه وزیر پست و تلگراف، میرزا حسین خان معین‌الوزاره وزیر تجارت و فلاحت و وزیر فواید عامه، میرزا صادق خان مستشارالدوله وزیر مشاور.

۱۸- کابینه مشیرالدوله ۱۸ شوال ۱۳۳۸ مطابق ۱۳ تیرماه ۱۲۹۹ تشکیل یافت و تا چهاردهم صفر ۱۳۳۹ برابر سوم آبان ۱۲۹۹ بر سرکار بود. دیگر وزیران این کابینه اینان بودند: حشمت‌الدوله وزیر داخله، مشارالسلطنه وزیر خارجه، میرزا مهدی‌خان و ثوق السلطنه وزیر جنگ، مخبرالسلطنه وزیر مالیه، مصدق السلطنه وزیر عدلیه، نیرالملک وزیر پست و تلگراف، میرزا احمدخان اعتلاء السلطنه وزیر فواید عامه، مستوفی‌الممالک و مؤتمن‌الملک وزیر مشاور.

۱۹- این کابینه از ۲۶ خرداد ۱۳۵۲ برابر اول ذی‌قعدة ۱۳۴۱ تا ۲۹ مهرماه ۱۳۵۲ برابر ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۲ حکومت کرد.